

گلشن

■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است

■ سه شنبه ۱۰ شهریور ماه ۱۴۰۵ / سال بیست و هشتم / شماره ۸ / ۲۲۴۱ صفحه / ۲۵۰۰ تومان

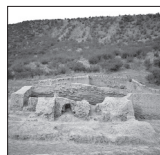
۳



آموزش فنی و حرفه‌ای
به عشایر گلستان



۳



آخرین وضعیت دیوار تاریخی گرگان



۴



مدارس هیئت امنایی منحل شدند
اما شهریه‌ها ماندند!!



نسیم شمال

مرغوبترین برنج

و خشکبار ایران

☎ تماس: ۰۹۱۱۲۶۹۰۶۷۸ ☎

یادداشت اول

میراث نانوشته کشاورزی گلستان

■ فاطمه سراوانی

در کشاورزی، همه‌چیز را نمی‌شود در جدول‌های تولید، سطح زیرکشت، میزان بارندگی و آمار خرید تضمینی خلاصه کرد. بخش مهمی از آنچه سال‌ها کشاورزی را سرپا نگه داشته، جایی میان خاک و دست کشاورز باقی مانده؛ دانشی که نه جایی نوشته شده، نه در پایگانی‌ها مانده و نه همیشه آن‌طور که باید دیده شده است؛ اما از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و هنوز در بسیاری از مزارع نفس می‌کشد. کشاورز گلستانی فقط بر اساس تقویم و توصیه‌های رسمی تصمیم نمی‌گیرد. او از روی تجربه می‌داند چه زمانی زمین آماده کشت است، کدام بذر با زمینش سازگارتر است، چه وقت باید منتظر باران بماند و وقتی هوا برخلاف پیش‌بینی‌ها تغییر کرد، چطور خودش را با شرایط تازه وفق دهد. اینها شاید روی کاغذ چند تجربه ساده به نظر برسند، اما پشت هر کدام سال‌ها زندگی با زمین، آزمون و خطا و گاهی هم شکست و دوباره شروع کردن وجود دارد. مسئله از جایی نگران‌کننده می‌شود که این تجربه‌ها اغلب جایی ثبت نمی‌شوند.

کشاورزی که چند دهه روی یک زمین کار کرده، فقط صاحب یک مزرعه نیست؛ بخشی از حافظه کشاورزی همان منطقه را هم با خود دارد. می‌داند این زمین در چه سالی جواب داده، چه زمانی آسیب دیده، کدام محصول با آن سازگارتر بوده و در سال‌های کم‌بارش چه روشی بهتر جواب داده است. وقتی چنین کشاورزی از چرخه‌ی تولید کنار می‌رود، فقط یک نیروی باتجربه را از دست نمی‌دهیم؛ بخشی از تجربه‌ای را هم از دست می‌دهیم که شاید در هیچ کتابی نوشته نشده باشد. اینجاست که فاصله میان دانش رسمی و تجربه میدانی خودش را نشان می‌دهد. دانش دانشگاهی برای کشاورزی ضروری است و بدون پژوهش علمی نمی‌توان برای آینده این بخش برنامه‌ریزی کرد. اما واقعیت زمین همیشه آن‌قدر مرتب و قابل پیش‌بینی نیست که در یک دستورالعمل نوشته می‌شود.

ادامه در صفحه ۲

حکایت گاز

و استان های شمالی



تأمین پایدار سایر بخش‌ها به شدت کاهش می‌دهد. در زمستان ۱۴۰۴ نیز این الگو تکرار شد. طبق آمار رسمی، مصرف بخش خانگی، تجاری و صنایع کوچک در دی‌ماه از ۱۹ میلیارد مترمکعب عبور کرد و میانگین مصرف روزانه به بیش از ۶۴۰ میلیون مترمکعب رسید. این سطح از مصرف نشان می‌دهد که مسئله ناترازی گاز، یک هشدار مقطعی یا صرفاً یک بحث رسانه‌ای نیست؛ بلکه چالشی ساختاری است که هر سال با شروع موج سرما، خود را آشکارتر نشان می‌دهد. استان‌های شمالی در این میان شرایط خاص‌تری دارند.

ادامه در صفحه ۲

بر اساس گزارش‌های منتشرشده در خبرگزاری وزارت نفت، SHANA، مصرف گاز در بخش خانگی، تجاری و صنایع کوچک در آذر ۱۴۰۳ به‌طور متوسط حدود ۵۶۱ میلیون مترمکعب در روز بوده است. این رقم در دی‌ماه همان سال به حدود ۶۱۴ میلیون مترمکعب در روز و در بهمن‌ماه به حدود ۶۳۶ میلیون مترمکعب در روز رسیده است. در روزهای اوج سرما نیز مصرف این بخش تا حدود ۷۰۳ میلیون مترمکعب در یک روزافزایش یافته است. به بیان دیگر، بخش بزرگی از گاز تولیدی کشور در روزهای سرد سال صرف گرمایش خانه‌ها، واحدهای تجاری و صنایع کوچک می‌شود؛ موضوعی که انعطاف شبکه را برای

حسین شهری - با نزدیک شدن به فصل سرد، نگرانی درباره پایداری تأمین گاز در استان‌های شمالی کشور، به‌ویژه گلستان، گیلان و مازندران، بار دیگر به موضوعی جدی در افکار عمومی تبدیل شده است. انتشار اظهاراتی درباره احتمال محدودیت‌های طولانی‌مدت گاز، اگرچه هنوز به‌عنوان برنامه رسمی و قطعی برای قطع گاز خانگی اعلام نشده، اما یک واقعیت مهم را یادآوری می‌کند: شبکه گاز کشور در فصل زمستان، به‌دلیل رشد شدید مصرف و ناترازی میان تولید، انتقال، ذخیره‌سازی و مصرف، با فشار قابل‌توجهی مواجه است. برای فهم ابعاد این مسئله، کافی است به آمارهای رسمی مصرف گاز توجه کنیم.

ادامه یادداشت اول

است. در چنین شرایطی، نمی‌توان همیشه بانسجه‌هایی که برای شرایط گذشته نوشته شده‌اند، برای امروز و فردا تصمیم گرفت.

کشاورزی که چند دهه با خشکسالی و نوسان آب‌وهوا زندگی کرده، بخشی از تغییرات را پیش از آنکه در یک گزارش رسمی ثبت شود، روی زمین دیده است. این تجربه البته قرار نیست جای علم را بگیرد؛ اما می‌تواند در کنار داده‌های علمی، تصویر واقعی‌تری از شرایط کشاورزی به دست بدهد.

برای همین، ثبت دانش بومی نباید به چند مصاحبه با کشاورزان و نگهداری چند فایل در یک آرشیو اداری ختم شود. باید از این تجربه‌ها چیزی فراتر از خاطره ساخت. باید معلوم شود کدام روش در کدام منطقه جواب داده، با چه نوع خاکی سازگار بوده، در چه شرایط آب‌وهوایی نتیجه بهتری داشته و آیا می‌توان آن را در مناطق دیگر هم به کار گرفت یا نه.

از آن طرف، تجربه کشاورز هم اگر ثبت، بررسی و با دانش علمی سنجیده نشود، در همان محدوده یک روستا یا یک مزرعه باقی می‌ماند و با رفتن صاحب تجربه، احتمالاً از بین می‌رود. مسئله، انتخاب یکی و کنار گذاشتن دیگری نیست؛ مسئله این است که این دو دانش چرا هنوز آن‌طور که باید کنار هم قرار نگرفته‌اند. تغییرات اقلیمی این ضرورت را جدی‌تر کرده است. بارش‌ها دیگر مثل گذشته قابل پیش‌بینی نیستند، خشکسالی‌ها فشار بیشتری به کشاورزی وارد می‌کنند و الگوی کشت در بسیاری از مناطق ناچار به تغییر

ادامه تیترو اول

سرمای زمستانی، رطوبت بالا، پراکندگی روستاها، افزایش نیاز به گرمایش و حساسیت شبکه انتقال در مناطق دورتر از کانون‌های اصلی تولید، باعث می‌شود هرگونه افت فشار یا محدودیت در شبکه، آثار جدی‌تری در این مناطق داشته باشد. البته باید میان «احتمال اعمال محدودیت برای صنایع و مصرف‌کنندگان عمده» و «قطع فراگیر گاز خانگی» تفاوت گذاشت. هنوز هیچ اطلاعیه رسمی و روشنی مبنی بر برنامه قطعی قطع گسترده گاز خانگی در استان‌های شمالی منتشر نشده است؛ اما نادیده گرفتن هشدارها نیز می‌تواند هزینه‌زا باشد. راه‌حل این وضعیت فقط در توصیه به مردم برای کاهش مصرف خلاصه نمی‌شود. مدیریت مصرف ضروری است، اما به‌تنهایی برای حل ناترازی کافی نیست. کشور نیازمند تقویت هم‌زمان سمت عرضه، توسعه ذخیره‌سازی گاز، بهبود بهره‌وری، تأمین سوخت جایگزین نیروگاه‌ها و استفاده از ظرفیت همکاری‌های منطقه‌ای است. در این چارچوب، تسریع در حمایت از بخش خصوصی برای واردات گاز از ترکمنستان، باید به‌عنوان یکی از گزینه‌های جدی و عملیاتی در دستور کار قرار گیرد. ترکمنستان، به‌عنوان همسایه شمالی ایران و یکی از دارندگان ذخایر بزرگ گاز جهان،



می‌تواند در دوره‌های اوج مصرف زمستانی به یکی از منابع مکمل تأمین گاز کشور تبدیل شود. نزدیکی جغرافیایی، وجود تجربه‌های پیشین همکاری گازی و امکان استفاده از سازوکارهایی مانند قراردادهای فصلی، تهاتر کالا و خدمات، سوآپ گاز و مشارکت شرکت‌های خصوصی، ظرفیت مهمی را پیش روی سیاست‌گذاران قرار می‌دهد.

برای فعال‌شدن این ظرفیت، دولت باید نقش تسهیل‌گر ایفا کند: ایجاد تضمین‌های حقوقی و قراردادی برای سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، کاهش موانع اداری و ارزی، تعریف سازوکار شفاف قیمت‌گذاری، تسریع

در میان است، تجربه کشاورز هم بخشی از سرمایه تولید به حساب می‌آید. گلستان، به عنوان یکی از استان‌های مهم کشاورزی کشور، نمی‌تواند این سرمایه را نادیده بگیرد. اگر قرار است کشاورزی گلستان در سال‌های آینده همچنان توان تولید داشته باشد، باید در کنار زمین و آب، حافظه کشاورزانش را هم حفظ کند. چون ممکن است برای یک بذر، یک روش کشت یا یک مشکل تازه، راه‌حل علمی جدیدی پیدا شود؛ اما اگر تجربه‌ای که نسل‌ها برای رسیدن به شناخت آن زمین به دست آمده از بین برود، دوباره ساختن آن همیشه ساده نیست. دانش بومی کشاورزی گلستان هنوز زنده است؛ در ذهن و دست کشاورزانی که سال‌ها با زمین زندگی کرده‌اند. اما این میراث اگر ثبت نشود، آرام‌آرام از بین می‌رود؛ و وقتی صاحب یک تجربه دیگر نباشد، شاید دیگر کسی نداند آنچه امروز ساده به نظر می‌رسد، با چند دهه زندگی و آزمون و خطا به دست آمده است.

در توسعه و نگهداری زیرساخت‌های انتقال و تعیین تکلیف روابط تجاری پایدار با طرف ترکمنستانی. واردات فصلی گاز، به‌ویژه در ماه‌های اوج سرما، می‌تواند فشار بر شبکه داخلی را کاهش دهد و احتمال افت فشار یا محدودیت در استان‌های شمالی را کمتر کند. در کنار این اقدام، لازم است برنامه‌های ذخیره‌سازی گاز در ماه‌های گرم سال، بهینه‌سازی موتورخانه‌ها، عایق‌کاری ساختمان‌ها، جایگزینی تجهیزات گرمایشی فرسوده و اصلاح تعرفه مشترکان پر مصرف نیز جدی‌تر دنبال شود. وقتی مصرف روزانه بخش خانگی و تجاری در روزهای سرد به بیش از ۷۰۰ میلیون مترمکعب می‌رسد، حتی صرفه‌جویی چند درصدی در سطح ملی می‌تواند معادل ده‌ها میلیون مترمکعب گاز در روز باشد؛ رقمی که در زمان اوج مصرف، برای حفظ پایداری شبکه اهمیت حیاتی دارد. در نهایت، آنچه امروز نیاز داریم، نه انکار ناترازی و نه ایجاد هراس عمومی است. مردم باید از واقعیت‌های شبکه گاز، برنامه‌های دولت برای عبور از زمستان و اقدامات پیشگیرانه آگاه شوند. شفافیت در اطلاع‌رسانی، حمایت عملی از واردات گاز از ترکمنستان با مشارکت بخش خصوصی، تقویت زیرساخت‌های انتقال و ذخیره‌سازی و مدیریت هوشمند مصرف، می‌تواند فاصله میان «شیاعه قطعی گاز» و «واقعیت پایداری شبکه» را کاهش دهد. زمستان، زمان آزمون سیاست‌گذاری انرژی است و هر تصمیمی که امروز به تأخیر بیفتد، ممکن است در روزهای سرد، به هزینه‌ای سنگین برای خانوارها، تولیدکنندگان و اقتصاد کشور تبدیل شود.

کارشناس و فعال اقتصادی

انگیزه‌ای وجود دارد؟ واقعیت تلخ این است که ناوگان حمل‌ونقل عمومی شهر، با فرسوده‌ترین ابزارها در حال فعالیت است. اتوبوس‌ها و وسایل نقلیه عمومی که باید نماد راحتی، امنیت و سرعت در جابه‌جایی باشند، به دلیل کهنگی، عدم پوشش مناسب خطوط و کیفیت پایین، تنها گزینه‌ای هستند که بخش کوچکی از مردم را به خود جذب می‌کنند. تا زمانی که حمل‌ونقل عمومی، رفیقی جدی برای خودروی شخصی نباشد، هر چقدر هم که خیابان‌ها را عریض کنیم، ترافیک گریبان‌گیر شهر خواهد بود.

سخن پایانی: بازگشت به انسان محوری

مدیریت شهری گرگان نیازمند یک تغییر پارادایم است. ما به جای «خودرومحوری»، به «انسان‌محوری» نیاز داریم. هدف از ساخت شهر، تسهیل عبور ماشین‌ها از یک نقطه به نقطه دیگر نیست، بلکه فراهم کردن فضایی برای زندگی، پیاده‌روی، تعامل اجتماعی و جابه‌جایی ایمن تمامی شهروندان است. زمان آن رسیده که بودجه‌ها و پروژه‌ها از «تعریض خیابان‌ها» به سمت «ارتقای کیفیت ناوگان عمومی»، «ایجاد مسیرهای دوچرخه‌سواری» و «بازسازی پیاده‌روهای استاندارد و ایمن» تغییر جهت دهند. گرگان سزاوار شهری است که در آن، انسان در مرکز توجه باشد، نه تنها ماشین.

کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری

به خودرو است، سهم گروه‌های بزرگ دیگر شهروندان از فضای عمومی، به طرز نگران‌کننده‌ای ناچیز است. شهر گرگان امروز، شهر «پیاده‌محور» نیست. پیاده‌روها یا به دلیل اشغال شدن توسط مغازه‌ها و خودروها، یا به دلیل طراحی نامناسب و نالایم، عملاً کارکرد خود را از دست داده‌اند.

بسیاری از پیاده‌روهای شهر با مشکل جدی در کیفیت پوشش کف و زیرساخت مواجه هستند؛ کفسازی‌های نامناسب، سطوح ناهموار، پازل های شکسته و فرورفتگی‌های ناگهانی، نه تنها پیاده‌روی را برای شهروندان دشوار و ناامن کرده، بلکه در بسیاری از نقاط، عبور از آن‌ها را برای سالمندان و افراد دارای معلولیت عملاً غیرممکن ساخته است. پیاده‌رو در گرگان، به جای اینکه فضایی برای آرامش و حرکت ایمن باشد، تبدیل به چالشی برای حفظ تعادل و سلامت شهروندان شده است. جای خالی مسیرهای ایمن و پیوسته برای دوچرخه‌سواری در گرگان، گواه دیگری بر این مدعا است. دوچرخه، که یکی از ارزان‌ترین، سالم‌ترین و پاک‌ترین ابزارهای حمل‌ونقل در شهرهای مدرن است، در گرگان به دلیل نبود زیرساخت، چیزی جز یک سرگرمی گذرا یا یک فعالیت پرخطر در میان ترافیک خودروها نیست.

ناوگان عمومی: زنجیره گمشده در حل معضل ترافیک

اگر بخواهیم ترافیک را ریشه‌ای حل کنیم، باید مردم را از خودروی شخصی به سمت «حمل‌ونقل عمومی» سوق دهیم. اما آیا در گرگان، چنین

اگر اخیراً به پروژه‌های اجرایی شهرداری گرگان نگاه کنیم، با یک الگوی تکراری و مشخص روبرو هستیم: «بازگشایی معابر»، «تعریض خیابان‌ها» و «گسترش ظرفیت عبور خودرو». نگاه مدیریت شهری به ترافیک گرگان، عمدتاً بر پایه حل مشکل از طریق «بیشتر کردن ظرفیت مسیرها برای ماشین‌ها» استوار شده است. اما یک سوال اساسی و بنیادین باقی می‌ماند: اگر تمام خیابان‌ها را عریض کنیم، آیا واقعا ترافیک کم می‌شود یا فقط جای بیشتری برای ورود خودروهای بیشتر باز کرده‌ایم؟

تله‌ی «تعریض خیابان‌ها»

اصول مدرن شهرسازی در سراسر جهان، از اروپا گرفته تا کشورهای همسایه، بر این اصل استوار است که «هرچه خیابان عریض‌تر شود، ترافیک بیشتر می‌شود». این پدیده که در علم شهرسازی به آن «تقاضای القایی» (Induced Demand) می‌گویند، دقیقاً همان چیزی است که در گرگان در حال تجربه آن هستیم. با بازگشایی معابر و عریض کردن مسیرها، ما در واقع به شهر پیام می‌دهیم که: «خوش آمدید، خودروی شخصی خود را بیاورید!» و این دقیقاً همان مسیری است که باعث تشدید وابستگی شهروندان به خودرو و در نتیجه، فلج شدن دوباره شهر در آینده‌ای نزدیک خواهد بود.

غیبت گروه‌های فراموش‌شده: پیاده، دوچرخه‌سوار و معلول
در حالی که تمرکز اصلی بر خدمات‌رسانی

گرگان؛ شهری برای خودروها یا مردم؟



احسان آریائی نژاد

آموزش فنی و حرفه‌ای به عشایر گلستان

عشایری یکی از ظرفیت‌های توسعه ایجاد فرصت‌های در استان به شمار می‌رود، گفت: با امضای این تفاهم نامه، استفاده از ظرفیت‌های جامعه عشایری استان برای ایجاد فرصت‌های شغلی ساکنان این منطقه، شتاب بیشتری خواهد گرفت. صادق عرب قائمی افزود: توسعه مهارت در حوزه‌هایی همچون دامپروری، صنایع دستی، فرآوری و بسته‌بندی محصولات دامی و کشاورزی، تولیدات لبنی، گیاهان دارویی و گردشگری عشایری در این استان از جمله ظرفیت‌های سرمایه گذاری در حوزه ایجاد فرصت‌های شغلی برای این جامعه مرزنشین به شمار می‌رود. وی یادآور شد: جامعه عشایری استان گلستان متشکل از عشایر کوچنده اکراد خراسان و نیمه کوچنده بومی استان به شمار می‌روند که در سطح ۳۵۰ هزار هکتار از مراتع شمال استان برای زمستان‌گذرانی در شهرستان‌های مراوه تپه و گنبد کاووس مستقر و به دامپروری اشتغال دارند. عرب قائمی یادآور شد: جامعه عشایری در گلستان با جمعیت ۲۳ هزار نفر در قالب ۴ هزار و ۲۰۰ خانوار به پرورش ۷۲۰ هزار دام سبک مشغول فعالیت هستند. وی ادامه داد: این جامعه طی یکسال اخیر ۷ هزار و ۵۰۰ تن گوشت قرمز، ۱۰ هزار و ۲۵۰ تن شیر و لبنیات، هزار و ۱۵۰ تن پشم و کرک و ۲۵ هزار و ۶۰۰ متر مربع انواع محصولات صنایع دستی تولید و روانه بازار کرده‌اند.



مربیان بومی از دیگر محورهای این تفاهم‌نامه است که می‌تواند زمینه تبدیل مهارت‌های کسب‌شده به کسب‌وکارهای پایدار و مولد را فراهم کند. مدیرکل امور عشایری گلستان نیز با اشاره به این که جامعه

اقتصادی و تولیدی مناطق عشایری همکاری کند. وی ادامه داد: توجه ویژه به زنجیره ارزش محصولات عشایری از مرحله تولید تا فرآوری، بسته‌بندی، بازاریابی و فروش، همچنین شناسایی و تربیت

تفاهم‌نامه همکاری بین مدیران کل آموزش فنی و حرفه‌ای و امور عشایری گلستان با هدف توانمندسازی مهارتی، توسعه اشتغال پایدار و ارتقای معیشت جامعه عشایری استان به امضا رسید. به گزارش روابط عمومی، مدیرکل فنی و حرفه‌ای گلستان گفت: این تفاهم‌نامه با رویکرد توسعه آموزش‌های مهارتی متناسب با ظرفیت‌های بومی و اقتصادی مناطق عشایری و با هدف ایجاد فرصت‌های جدید شغلی، تقویت خوداشتغالی و کارآفرینی و افزایش بهره‌وری فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی خانوارهای عشایری بسته شده است. حمزه کرایلو افزود: بر اساس این تفاهم‌نامه، طرفین در زمینه شناسایی نیازهای مهارتی جامعه عشایری، طراحی و اجرای دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای، استفاده از ظرفیت مراکز ثابت و سیار آموزشی، توسعه آموزش‌های کارآفرینی و مهارت‌های کسب‌وکار و ارائه مشاوره شغلی و هدایت حرفه‌ای جامعه هدف همکاری خواهند کرد. وی ادامه داد: اداره کل امور عشایری گلستان نیز متعهد شده با شناسایی و معرفی مناطق عشایری، گروه‌های هدف و اولویت‌های آموزشی و اشتغالی، زمینه حضور و مشارکت خانوارهای عشایری، جوانان و زنان در دوره‌های مهارتی را فراهم کرده و در معرفی فضاهای مناسب برای اجرای آموزش‌ها و شناسایی ظرفیت‌های

آخرین وضعیت دیوار تاریخی گرگان

از تامین و ابلاغ اعتبارات مورد نیاز در دستور کار قرار خواهد گرفت تا روند مطالعات، حفاظت، ساماندهی و تکمیل مستندات پرونده ثبت جهانی این اثر با انسجام و استمرار بیشتری دنبال شود. مدیر پروژه ثبت جهانی دیوار بزرگ گرگان تصریح کرد: گستردگی جغرافیایی دیوار، تعدد تاسیسات و سازه‌های وابسته و ارزش‌های برجسته تاریخی و باستان‌شناختی آن موجب شده که فرایند تهیه و تکمیل پرونده ثبت جهانی نیازمند مجموعه‌ای پیوسته از مطالعات باستان‌شناسی و میان‌رشته‌ای، مستندسازی دقیق، اقدامات حفاظتی و ساماندهی بخش‌های مختلف اثر باشد. فعالی با اشاره به جایگاه تاریخی دیوار بزرگ گرگان، افزود: این اثر در ۲۹ تیر ماه ۱۳۷۸ به شماره ۲۳۴۵ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده و با طولی نزدیک به ۲۰۰ کیلومتر، یکی از برجسته‌ترین استحکامات دفاعی و مهندسی جهان باستان و از مهم‌ترین آثار به‌جامانده از دوره ساسانی به شمار می‌رود. وی گفت: حفاظت از دیوار بزرگ گرگان، صیانت از بخشی از هویت تاریخی و دانش مهندسی ایرانیان است و تلاش می‌کنیم با استمرار پژوهش‌ها، حفاظت و ساماندهی بخش‌های مختلف اثر و تکمیل مستندات پرونده، زمینه معرفی شایسته‌تر این میراث ارزشمند در سطح ملی و بین‌المللی و انتقال آن به نسل‌های آینده فراهم شود.



آینده با محور تکمیل و تدوین پرونده ثبت جهانی، تکمیل و تجهیز پایگاه اطلاع‌رسانی، ادامه کاوش‌های باستان‌شناسی، تهیه و نصب تابلوهای راهنما و هشداردهنده، تولید آجر به منظور خواناسازی بقایای معماری مکشوفه و اجرای سایر اقدامات حفاظتی و مورد نیاز تدوین شده است. وی گفت: این برنامه‌ها پس

مکشوفه حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی نیز از دیگر اقداماتی است که در این مسیر انجام‌شده تا ضمن حفاظت اصولی از بقایای معماری، امکان معرفی بهتر این یافته‌ها و تبدیل بخش‌های مناسب محوطه‌ها به فضای قابل بازدید برای گردشگران ایرانی و خارجی فراهم شود. فعالی بیان کرد: برنامه‌های پیشنهادی سال

مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گلستان با تاکید بر گام‌های عملی برای ثبت جهانی دیوار بزرگ گرگان، گفت: ۱۵۵ میلیارد ریال از اعتبارات سال ۱۴۰۴ برای اجرای مجموعه‌ای از اقدامات تخصصی شامل تصویربرداری هوایی، رقوم‌سازی نقشه‌ها، تکمیل مستندات، کاوش‌های باستان‌شناسی و ساماندهی کارگاه‌های باستان‌شناسی هزینه شده است. به گزارش روابط عمومی، فریدون فعالی اظهار کرد: پیگیری ثبت جهانی این اثر ارزشمند تاریخی یکی از اولویت‌های مهم حوزه میراث فرهنگی استان است و در این رابطه سال گذشته مجموعه‌ای از اقدامات تخصصی، پژوهشی، مستندسازی و حفاظتی باهدف تکمیل الزامات پرونده ثبت جهانی اجرا شده است. وی افزود: در راستای ثبت جهانی دیوار بزرگ گرگان از ردیف اعتبارات سال ۱۴۰۴، تصویربرداری هوایی از مسیر دیوار بزرگ گرگان و تاسیسات وابسته، تکمیل مستندات پرونده ثبت جهانی، کاوش‌های باستان‌شناسی دیوار بزرگ گرگان و تمیسه و ساماندهی کارگاه‌های باستان‌شناسی در محدوده شهرستان‌های کلالة، مینودشت، گنبد کاووس، گمیشان و کردکوی انجام شده است. مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گلستان ادامه داد: تولید آجر مورد نیاز برای ساماندهی و خواناسازی ساختارهای معماری

۹۰۰ میلیارد تومان تجهیزات پزشکی وارد گلستان شد

شده و چند اختراع نیز توسط دانشگاه و دانشجویان به ثبت رسیده است. وی با اشاره به نقش خیران سلامت افزود: خیران حدود ۱۶۲ میلیارد تومان برای توسعه زیرساخت‌ها و تامین تجهیزات حوزه سلامت استان کمک کرده‌اند. رئیس دانشگاه علوم پزشکی گلستان همچنین از ارائه حدود هزار خدمت پزشکی در مناطق محروم توسط گروه جهادی در حوزه‌های دندانپزشکی، چشم‌پزشکی و خدمات مرتبط با سرطان خبر داد و گفت: پروژه‌های بیمارستانی استان نیز با پیشرفت‌های فیزیکی متفاوت در حال اجراست.

بیمارستان‌ها و مراکز درمانی استان توزیع شده است. وی افزود: در این مدت ۸۵ نیروی متخصص در رشته‌های مختلف جذب مراکز درمانی استان شدند که اولویت استقرار آنها مناطق محروم بوده است. رئیس دانشگاه علوم پزشکی گلستان از بهره‌برداری چند مرکز جامع سلامت و خانه بهداشت در استان خبر داد و گفت: مجموع پروژه‌های عمرانی و تجهیزاتی حوزه سلامت حدود ۴۳۱ میلیارد تومان اعتبار داشته است. ابراهیمی همچنین با اشاره به فعالیت‌های پژوهشی و فناوریانه دانشگاه گفت: ۹ محصول فناورانه در حوزه سلامت تولید و توزیع

رئیس دانشگاه علوم پزشکی گلستان از ورود ۹۰۰ میلیارد تومان تجهیزات پزشکی به مراکز درمانی استان، جذب ۸۵ نیروی متخصص و اجرای طرح‌های متعدد در حوزه‌های بهداشت، درمان، آموزش و پژوهش خبر داد و در یکسال اخیر خبر داد و گفت: نتیجه استفاده از این تجهیزات، گسترش عدالت سلامت در استان است. به گزارش روابط عمومی، محسن ابراهیمی اظهار کرد: طی سال گذشته و سه‌ماهه نخست امسال اقدامات گسترده‌ای برای توسعه زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی گلستان انجام شده و حدود ۹۰۰ میلیارد تومان تجهیزات پزشکی در



مدارس هیئت امنایی منحل شدند، اما شهریه‌ها ماندند؟!



علی کیان

منحل شوند! ۳۵ میلیون تومان از خانواده‌ها، مشارکت داوطلبانه یا شهریه‌ای که نامش عوض شده است؟ ماجرا از یک پیام ساده آغاز شده است، پیامی از یک مدرسه هیئت امنایی سابق و مدرسه دولتی فعلی در شهرستان گنبدکاووس خطاب به والدین دانش‌آموزان با عنوان شهریه سال تحصیلی آینده که در آن از خانواده‌ها خواسته شده تا پنجم شهریورماه مبلغ ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان را برای آماده‌سازی و بهسازی مدرسه و خرید ملزومات پرداخت کنند و پس از واریز وجه نیز تصویر رسید را ارسال کنند. شاید در نگاه نخست، این پیام تنها یک درخواست مالی برای کمک به مدرسه باشد، اما وقتی پای مدرسه دولتی، حق تحصیل دانش‌آموزان و وضعیت اقتصادی خانواده‌ها به میان می‌آید، موضوع دیگر یک درخواست ساده نیست، بلکه به مسئله‌ای جدی در حوزه عدالت آموزشی و حقوق خانواده‌ها تبدیل می‌شود.

این پرسش اکنون باید بی‌پرده مطرح شود: مدرسه‌ای که دولتی است، چرا ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان از خانواده‌ها مطالبه می‌کند؟

یکی از نکات مهم این ماجرا، تغییر وضعیت مدارس هیئت‌امنایی به مدارس دولتی بر اساس بخشنامه‌ی جدید وزارت آموزش و پرورش و اداره‌کل آموزش و پرورش استان گلستان است. اگر مدرسه‌ای دیگر عنوان و ساختار مدرسه هیئت‌امنایی را ندارد و در چارچوب مدارس دولتی فعالیت می‌کند، طبیعتاً باید ضوابط و مقررات مدارس دولتی نیز بر آن حاکم باشد. بنابراین نمی‌توان صرفاً عنوان مدرسه را تغییر داد، اما شیوه تأمین هزینه‌ها را به همان شکل گذشته ادامه داد. اگر قرار است مدرسه دولتی باشد، باید این پرسش روشن پاسخ داده شود که آیا دریافت مبلغ ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان از والدین، مبنای قانونی دارد یا خیر؟ و اگر مبنای قانونی دارد، چرا و تحت چه عنوانی؟ وزارت آموزش و پرورش بارها بر این موضوع تأکید کرده که دریافت وجه اجباری از خانواده‌ها در مدارس دولتی ممنوع است. در چنین شرایطی، استفاده از واژه شهریه برای دریافت مبلغ مشخص از خانواده‌ها، آن هم همراه با تعیین یک ضرب‌الاجل، طبیعتاً حساسیت ایجاد می‌کند.

ممکن است مسئولان مدرسه بگویند این مبلغ کمک به مدرسه یا مشارکت خانواده‌ها است. بسیار خوب، اگر چنین است، یک سؤال اساسی وجود دارد: آیا این پرداخت واقعاً اختیاری است؟ یعنی اگر پدر یا مادری توان پرداخت ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان را نداشته باشد، آیا فرزند او بدون هیچ محدودیتی ثبت‌نام خواهد

شد؟ آیا دانش‌آموز در طول سال تحصیلی با محدودیت یا تبعیض مواجه نمی‌شود؟ آیا امکانات آموزشی او نسبت به دانش‌آموزی که این مبلغ را پرداخت کرده، تفاوتی خواهد داشت؟ پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند مرز میان مشارکت داوطلبانه و پرداخت اجباری را مشخص کند. سه میلیون و پانصد هزار تومان برای یک خانواده کم‌درآمد، رقم کمی نیست! مسئله فقط یک عدد نیست، مسئله قدرت خرید و توان اقتصادی خانواده‌هاست. خانواده‌ای که باید هزینه اجاره مسکن، خوراک، درمان، قبوض، رفت‌وآمد و ده‌ها هزینه ضروری دیگر را پرداخت کند، با آغاز سال تحصیلی با موج جدیدی از مخارج مواجه می‌شود. لباس مدرسه، کفش، کیف، لوازم التحریر، کتاب، سرویس، تغذیه و سایر هزینه‌ها را اگر کنار هم بگذاریم، متوجه می‌شویم که ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان برای بسیاری از خانواده‌ها پول کمی نیست. حال اگر خانواده‌ای دو دانش‌آموز داشته باشد، این مبلغ به ۷ میلیون تومان می‌رسد و برای خانواده‌ای با سه دانش‌آموز، به ۱۰ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان! آیا می‌توان انتظار داشت همه خانواده‌ها چنین مبلغی را بدون دغدغه پرداخت کنند؟ مدرسه دولتی نباید محل آزمون توان مالی والدین باشد! مدرسه باید جایی باشد که دانش‌آموزان فارغ از وضعیت اقتصادی خانواده‌هایشان در کنار یکدیگر تحصیل کنند. نباید دانش‌آموزی که والدینش توان مالی بیشتری دارند، احساس کند امکانات بیشتری نصیبش می‌شود و دانش‌آموز خانواده‌ای کم‌برخوردار، به دلیل ناتوانی مالی احساس شرمندگی یا محرومیت کند. عدالت آموزشی یعنی پولدار و کم‌درآمد، هر دو حق برابر برای تحصیل داشته باشند. اگر مدرسه برای اداره خود به بودجه بیشتری نیاز دارد، این موضوع باید از مسیرهای قانونی و اعتبارات پیش‌بینی شده حل شود؛ نه اینکه خانواده‌ها ناچار شوند بار کمبود اعتبارات را به دوش بکشند. مدیران مدارس هم نباید قربانی کمبود بودجه شوند! البته نباید همه تقصیرها را متوجه مدیران مدارس کرد. مدیر مدرسه‌ای که با ساختمان فرسوده، کمبود تجهیزات، هزینه تعمیرات، نیازهای آموزشی و ده‌ها مشکل دیگر مواجه است، طبیعتاً برای اداره مطلوب مدرسه نیازمند منابع مالی است. اما اگر اعتبارات دولتی پاسخگوی نیاز مدارس نیست، راه‌حل باید در سطح سیاست‌گذاری و تأمین بودجه پیدا شود. نمی‌توان مدیر مدرسه را در برابر انبوهی از نیازها تنها گذاشت و سپس انتظار داشت برای تأمین هزینه‌ها به سراغ خانواده‌ها برود. این همان نقطه‌ای است که مسئولان آموزش و پرورش باید پاسخگو باشند. آموزش و پرورش گلستان سکوت نکند

اکنون مطالبه افکار عمومی، نه برخورد شتاب‌زده با یک مدرسه و نه متهم کردن یک مدیر است؛ بلکه شفاف‌سازی رسمی است. اداره‌کل آموزش و پرورش استان گلستان باید صریحاً اعلام کند: آیا دریافت ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان از خانواده‌های دانش‌آموزان این مدرسه مجاز است یا خیر؟ اگر مجاز است، مستند قانونی آن چیست؟ اگر این مبلغ کمک داوطلبانه است، آیا عدم پرداخت آن هیچ تأثیری بر ثبت‌نام و ادامه تحصیل دانش‌آموز ندارد؟ چرا برای پرداخت آن تاریخ تعیین شده است؟ چرا از والدین درخواست ارسال تصویر رسید شده است؟ این مبلغ قرار است دقیقاً در چه بخش‌هایی هزینه شود؟ و مهم‌تر از همه، آیا مدارس دولتی که پیش‌تر هیئت‌امنایی بوده‌اند، پس از تغییر وضعیت نیز مجاز به دریافت چنین مبالغی از خانواده‌ها هستند؟

مردم پاسخ روشن می‌خواهند، نه واژه‌های مبهم! در این میان، استفاده از واژه‌هایی مانند کمک، مشارکت، مبلغ مدرسه یا عناوین مشابه، نباید باعث شود اصل موضوع گم شود. مردم می‌خواهند بدانند: پول بدهند یا ندهند؟ اگر ندهند، چه اتفاقی برای فرزندشان می‌افتد؟ همین یک پاسخ روشن می‌تواند بسیاری از نگرانی‌ها را پایان دهد. اگر پرداخت کاملاً داوطلبانه است، آموزش و پرورش باید آن را شفاف اعلام کند و اگر دریافت وجه اجباری ممنوع است، باید بر اجرای این ممنوعیت نظارت جدی داشته باشد. توپ اکنون در زمین آموزش و پرورش گلستان است! موضوع مطرح‌شده، فرصتی برای آموزش و پرورش استان گلستان است تا با یک پاسخ شفاف، هم نگرانی خانواده‌ها را برطرف کند و هم اجازه ندهد تصویر مدارس دولتی در افکار عمومی خلسه‌دار شود. مدرسه دولتی باید پناهگاه خانواده‌های کم‌درآمد باشد، نه جایی که والدین برای ادامه تحصیل فرزندشان نگران تأمین چند میلیون تومان باشند. اگر دولت، مدرسه‌ای را دولتی اعلام می‌کند، باید هزینه‌های اساسی اداره آن را نیز تأمین کند. اگر مشارکت مردمی ضرورت دارد، مشارکت باید واقعاً داوطلبانه، شفاف و بدون هیچ‌گونه اجبار و تبعیض باشد و اگر عنوان شهریه برای دریافت وجه از خانواده‌ها فاقد وجهت قانونی است، نباید تنها با تغییر نام، همان مطالبه مالی ادامه پیدا کند. امروز خانواده‌ها فقط یک خواسته دارند: شفافیت و یک سؤال: مدرسه دولتی است، پس ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان دقیقاً بابت چیست؟

این پرسش را نمی‌توان با سکوت پاسخ داد.

فعال رسانه

عدالت در سلامت به روایت یک اردوی جهادی



در میان اقشار نیازمند، بدون دغدغه هزینه در اختیار آنان قرار دهد. در کنار خدمات حوزه سلامت، تیم جهادی حقوقدانان مهر

چنین اردوهای جهادی، زمینه دسترسی آسان‌تر مردم به خدمات تخصصی را فراهم کرده و تلاش می‌کند خدمات سلامت را به ویژه

در قالب کلان‌طرح نصر، طرح شهید رئیسی و پویش سلامت علوی، اردوی جهادی ارائه خدمات سلامت و حمایتی در شهرستان بندرترکمن برگزار شد و مردم این منطقه از خدمات رایگان بینایی‌سنجی، معاینه و تأمین عینک بهره‌مند شدند. به گزارش ایرنا، در این برنامه که با هدف گسترش دسترسی اقشار مختلف جامعه به خدمات تخصصی و کمک به تحقق عدالت در سلامت برگزار شد، تیم‌های تخصصی در حوزه بینایی‌سنجی و معاینه چشم در محل اردو مستقر شدند و خدمات مورد نیاز را به مراجعان ارائه کردند. همچنین برای افرادی که به تشخیص کارشناسان نیازمند استفاده از عینک بودند، عینک به صورت رایگان تأمین شد تا بخشی از نیازهای درمانی و معیشتی خانواده‌های کم‌برخوردار برطرف شود. این برنامه در قالب کلان‌طرح نصر و با همت بنیاد علوی کشور و مرکز نیکوکاری مسجد جامع گلشن و با حمایت نماینده ولی فقیه در استان گلستان برگزار شد. برگزاری

رضوی نیز با حضور وکلای جهادی در این اردو حضور یافت و مشاوره حقوقی رایگان به مراجعان ارائه کرد. ارائه مشاوره در زمینه مسائل و پرونده‌های حقوقی، یکی دیگر از بخش‌های این اردوی جهادی بود که با استقبال مراجع‌کنندگان همراه شد و فرصتی برای بهره‌مندی مردم از خدمات تخصصی حقوقی بدون پرداخت هزینه فراهم کرد. برگزارکنندگان این برنامه با قدردانی از حضور و همراهی مجموعه‌های مختلف، تداوم فعالیت‌های جهادی در حوزه سلامت و خدمات اجتماعی را گامی موثر در حمایت از اقشار کم‌برخوردار و گسترش عدالت در دسترسی به خدمات تخصصی عنوان کردند. کلان‌طرح نصر، طرح شهید رئیسی و پویش سلامت علوی با رویکرد خدمت‌رسانی به مردم و حمایت از اقشار نیازمند، زمینه حضور گروه‌های تخصصی و جهادی در مناطق مختلف را فراهم کرده و این برنامه نیز در همین راستا در شهرستان بندرترکمن برگزار شد.

باید ظرفیت ایستادگی، یادگیری، سازگاری و نوسازی خود را افزایش دهد و حکومت نیز باید ظرفیت اصلاح، پاسخگویی، یادگیری از خطا و بازسازی اعتماد عمومی را ارتقا بخشد. تاب‌آوری بدون اصلاح، ممکن است به خوگیری با بحران بیانجامد که در درازمدت فرسایش اجتماعی را در پی می‌آورد. بنابراین نباید از مفهوم تاب‌آوری چنین نتیجه گرفت که چون ایرانیان در درازای تاریخ تاب‌آور نشان داده‌اند، پس می‌توانند رنج‌های بیشتری را نیز تحمل کنند. این برداشت، واژگونه کردن معنای تاب‌آوری است. هدف تاب‌آوری، افزایش ظرفیت رنج‌پذیری جامعه نیست؛ بلکه افزایش ظرفیت جامعه برای کاهش رنج، گذار از بحران و جلوگیری از تکرار آن است. جامعه‌ای که شهروندانش پیوسته خود را با شرایط نامطلوب وفق می‌دهند، لزوماً جامعه‌ای تاب‌آور نیست؛ چه‌بسا گرفتار نوعی عادت‌وارگی به فرسایش شده باشد. تاب‌آوری زمانی معنادار می‌شود که توان جامعه برای حل مسئله، اصلاح خطا، یادگیری، نوآوری و ساختن آینده بهبود یابد. چنین فهمی با تأکید کتاب بر عاملیت انسانی، نوسازی، حکمرانی و انسجام اجتماعی سازگار است. از سوی دیگر، ایران به گواه تاریخ و تجربه، از سرمایه‌هایی کم‌مانند برخوردار است: تاریخی طولانی، تمدنی ریشه‌دار، موقعیتی مهم در جغرافیای سیاسی جهان، سرمایه انسانی گسترده و تجربه‌ای دیرپا از عبور از بحران‌ها و دگرگونی‌های بزرگ. اما هیچ‌یک از این سرمایه‌ها به‌خودی‌خود ضامن آینده‌ای شکوهمند نیستند. میراث تاریخی تنها هنگامی به سرمایه آینده تبدیل می‌شود که در خدمت ساختن آینده قرار گیرد. از همین رو امروز ایران بیش از هر چیز به تغییر راهبردی در نگرش حکمرانی نیازمند است. پرسش راهبردی ایرانیان نباید این باشد که «چگونه سختی‌ها را تحمل کنیم؟» بلکه باید این باشد که چگونه از دل سختی‌ها، جامعه‌ای توانمندتر، منسجم‌تر، عقلانی‌تر و برخوردارتر از ظرفیت تصمیم‌گیری بسازند؟ به باور من، پرسش واقعی تاب‌آوری همین است. ایستادن بدون اسارت در جمود؛ تعامل کردن بدون افتادن در وابستگی؛ انعطاف‌پذیری بدون فراموشی اصول؛ و اصلاح کردن بدون از دست دادن هویت. فشرده سخن اینکه، ایران برای ماندن، علاوه بر ایستادگی، به نوسازی نیاز دارد؛ فقط به منابع نیاز ندارد، به حکمرانی خردمندانه نیازمند است؛ فقط به قدرت نیاز ندارد، به انسجام نیاز دارد؛ و بیش از همه، به مردمی نیاز دارد که خود را صاحب آینده این سرزمین بدانند. این حقیقت را باید با ژرفای جان دریافت که پایداری ملت‌ها بیش از آنکه محصول قدرت عریان باشد، حاصل ترکیب هوشمندانه دیپلماسی، نوسازی گزینشگرانه، انسجام اجتماعی و هویت ملی‌ماندگار است. پس باید تاب‌آوری را از هنر زنده ماندن به هنر بهتر شدن ارتقا داد. اگر جز این باشد، از تاب‌آوری معنازدایی شده است. بنابراین رساترین پیام کتاب برای ایران امروز این است که مردم نباید فقط برای دوام آوردن تربیت شوند؛ بلکه حکومت نیز باید بهتر حکمرانی کردن را بیاموزد.

دانش پژوه علوم سیاسی



دشواری‌ها نیست؛ بلکه توانایی تبدیل تهدید به فرصت، بحران به تجربه یادگیری، محدودیت به خلاقیت و فشار به انگیزه‌ای برای توانمندسازی داخلی است. به گمان نگارنده، کلیدی‌ترین درس این کتاب برای ایران، لزوم بازتوجه به سرمایه اجتماعی و انسجام ملی است. جامعه‌ای که گرفتار شکاف داخلی، بی‌اعتمادی، احساس طردشدگی و انزوا باشد، در برابر فشارهای بیرونی آسیب‌پذیر خواهد بود. با این حال همه مسئولیت متوجه مردم نیست. مردم البته در ساختن تاب‌آوری ملی سهم بزرگی دارند: حفظ امید، تقویت همبستگی اجتماعی، مسئولیت‌پذیری جمعی، گفت‌وگو، همکاری، یادگیری، خشونت‌پرهیزی و حفظ سرمایه‌های فرهنگی و انسانی جامعه، بخشی از این مسئولیت است. با این حال تاب‌آوری ملی بیشتر محصول کیفیت رابطه دولت و جامعه است. در نتیجه حکومت نیز مسئولیت‌هایی گریزن‌ناپذیر دارد: حکمرانی کارآمد، تصمیم‌گیری عقلانی، شجاعت خطا‌پذیری، اصلاح سیاست‌های ناکارآمد، فسادستیزی، تقویت نهادهای عمومی، افزایش شفافیت، حفظ کرامت شهروندان، شنیدن صداهای متفاوت و فراهم آوردن امکان مشارکت واقعی مردم در سرنوشت کشور از آن جمله است. تاب‌آوری ملی زمانی قوام می‌یابد که مردم احساس کنند در سرنوشت کشور سهیم‌اند، صدایشان شنیده می‌شود و منافع مشترک بر تفاوت‌ها، دگرسازی‌ها و رقابت‌های فرساینده غلبه دارد. انسجام ملی نیز پدیده‌ای دستوری و آمرانه نیست؛ بلکه به مشارکت اجتماعی، احساس دلبستگی، اعتماد عمومی، فراگیری و نوعی همسازی و همبازی درباره منافع مشترک نیاز دارد. بنابراین، باید با تقویت سازوکارهای دربرگیرنده، زمینه شکل‌گیری چرخه‌های مثبت اعتماد و انسجام را فراهم کرد. سیاست سذبندی و دگرسازی، تحقیر و تبعیض، حذف و برچسب‌زنی، در بلندمدت از ظرفیت تاب‌آوری ملی می‌کاهد. از این رو، بازسازی سرمایه اجتماعی و نهادی نه امری تشریفاتی، بلکه جزیی از زیرساخت تاب‌آوری ملی است.

درس‌آموخته دیگر آن است که تاب‌آوری را نباید با «انزواگرایی» اشتباه گرفت؛ همان‌گونه که تعامل نیز به معنای وابستگی نیست. تاریخ، هم تجربه‌های موفق انزوا و هم تجربه‌های موفق تعامل را پیش روی ما نهاده است. هنر سیاست آن است که نخبگان فراستمند، با شناخت دقیق ظرفیت‌ها و محدودیت‌ها، نقطه مناسب میان استقلال و تعامل، مقاومت و انعطاف، و اصول و مصلحت را بیابند و از ارتباط با جهان برای افزایش توان ملی بهره گیرند. سیاست و تصمیمی که امروز بحران را به تعویق می‌اندازد، اما فردا بر بی‌اعتمادی، مهاجرت سرمایه انسانی، فرسایش نهادی یا شکاف اجتماعی می‌افزاید، بی‌تردید تصمیمی تاب‌آورانه نیست. یافته هشداردهنده دیگر آن است که تاب‌آوری، مانند بسیاری از مفاهیم دیگر، قابلیت «مصادره و تحریف» دارد. نباید آن را چنان تفسیر کرد که حکومت از پاسخگویی معاف شود یا مردم به تحمل هر وضعیت ناخوشایندی فراخوانده شوند. تاب‌آوری این نیست که مردم همیشه هزینه بیشتری بپردازند تا ساختارها کمتر تغییر کنند؛ همچنین به معنای نفی نقد، اعتراض، مطالبه‌گری و اصلاح نیست. برعکس، جامعه‌ای که امکان نقد و اصلاح کم هزینه دارد، از ظرفیت تاب‌آوری بیشتری برخوردار است. از این زاویه، نقد هوشمندانه حکومت، سیاست‌ها و کارگزاران، نه در نقطه مقابل تاب‌آوری، بلکه خود بخشی از تاب‌آوری ملی است. تاب‌آوری، اگر قرار است مفهومی راهگشا باشد، باید دوسویه باشد: جامعه

فرهنگی مهم‌اند؛ اما هیچ‌یک به‌تنهایی سرنوشت یک ملت را رقم نمی‌زنند. آنچه تعیین‌کننده است، چگونگی بهره‌گیری هوشمندانه از این ظرفیت‌ها از طریق عاملیت و کنشگری انسان‌ها، نهادها و رهبران است. نویسندگان میان عوامل ساختاری و ذاتی و متغیرهای کارگزارمحور تمایز می‌گذارند و راهبردهایی چون مانور دیپلماتیک، بده‌بستان‌های راهبردی، ایستادگی نظامی، نوسازی داخلی، تقویت هویت ملی، افزایش انسجام اجتماعی و حتی انزواگرایی را مورد توجه قرار می‌دهند. از همین رو، یکی از درس‌های مهم این کتاب آن است که استقلال و تاب‌آوری بیش از آنکه موهبتی طبیعی یا خدادادی باشند، ظرفیت‌هایی تاریخی و دستاوردهایی انسانی‌اند. عوامل ساختاری فرصت می‌آفریند؛ اما این انسان‌ها، نهادها و رهبران‌اند که فرصت را به ظرفیت و قدرت برگردان می‌کنند. نکته دیگر ناظر به معنای تاب‌آوری است. تاب‌آوری فقط توانایی تحمل فشار نیست؛ بلکه توانایی حفظ هویت و استقلال در عین سازگاری با شرایط دگرگون‌شونده، یادگیری از بحران‌ها، نوسازی ظرفیت‌ها و انتخاب خردمندانه میان مقاومت، تعامل، بده‌بستان، ائتلاف‌سازی و بازدارندگی است. بنابراین، کشوری که تنها به جغرافیای خود تکیه کند، فرصت‌هایش را از دست می‌دهد؛ کشوری که فقط بر قدرت نظامی اتکا کند، در برابر فرسایش‌های اجتماعی و اقتصادی آسیب‌پذیر می‌شود؛ و کشوری که فقط به حمایت خارجی دل ببندد، بخشی از عاملیت و استقلال تصمیم‌گیری خود را از کف می‌دهد. تاب‌آوری پایدار زمانی است که ظرفیت‌های ذاتی با عاملیت انسانی، حکمرانی کارآمد، انسجام اجتماعی، نوسازی مستمر و دیپلماسی هوشمندانه در هم تنیده شوند.

یکی از نکته‌های درخشان کتاب آن است که در وضعیت ناهمپایگی قدرت، همیشه فقط دو انتخاب «تسلیم» یا «تقابل» وجود ندارد. میان این دو، عرصه گسترده‌ای از انتخاب‌های راهبردی قرار دارد که ملت‌ها می‌توانند با تکیه بر خرد، توان کنشگری و ظرفیت‌های درونی خود از آن بهره گیرند. به گواهی تجربه‌های تاریخی، ملت‌های کوچک‌تر و کم‌توان‌تر، اگر از خرد حکمرانی راهبردی، انسجام اجتماعی، هویت جمعی فراگیر، نهادهای کارآمد و ظرفیت کنشگری برخوردار باشند، می‌توانند در برابر قدرت‌هایی بسیار بزرگ‌تر از خود ایستادگی و استقلال و هویت خویش را پاس دارند.

این درس‌ها برای ایران امروز اهمیت دوچندان دارد؛ زیرا جامعه ایرانی با تنگناهای گوناگون و پرشمار و نیز هجوم‌های همه‌جانبه، ترکیبی و نامتقارن روبه‌روست. در چنین شرایطی، توجه به تاب‌آوری ضرورتی انکارناپذیر است؛ اما باید هوشیار بود که تاب‌آوری با خطایی مفهومی، به ابزاری برای عادی‌سازی بحران تبدیل نشود. شاید سهمگین‌ترین خطا آن باشد که تاب‌آوری را تنها معادل آمادگی برای «تحمل کردن» بپنداریم. اگر تاب‌آوری به معنای سکوت و تحمل بیشتر و سازگاری ناگزیرمردم با دشواری‌های فزاینده فهم شود، نه‌تنها مفهومی رهایی‌بخش نخواهد بود، بلکه به ابزاری برای خوگیری با بحران و انتقال هزینه ناکارآمدی‌ها از ساختارهای تصمیم‌گیر به دوش جامعه تبدیل می‌شود. جامعه تاب‌آور، جامعه‌ای نیست که هرچه بیشتر رنج بکشد و کمتر دم برآورد؛ بلکه جامعه‌ای است که بتواند از دل بحران، ظرفیت تازه بیافریند و ساختارهای بحران‌زا را نازا کند. لذا ضعف حکمرانی نباید با توصیه‌های اخلاقی به بردباری از چشم جامعه پنهان بماند. تاب‌آوری راستین، تحمل منفعلانه

درس‌آموخته‌هایی از یک اثر تازه درباره تاب‌آوری ملی



دکتر علی کریمی مله

چند هفته پیش، در جست‌وجوی آثاری درباره «تاب‌آوری»، با اثری خواندنی و تأمل‌برانگیز با ویراستاری لوگان کاکرون و الکساندرا ویلسون، چاپ ۲۰۲۶ انتشارات اشپرنگر، با عنوان دولتمداری تاب‌آور: چرا و چگونه برخی ملت‌ها استقلال و حاکمیت دیرپای خود را حفظ کردند؟ روبه‌رو شدم. با توجه به شرایط حساس جامعه ایران امروز و گفت‌وگوهای پرده‌مانه‌ای که درباره تاب‌آوری شگفت‌آور جامعه ایرانی در برابر بحران‌ها و تنگناهای تاریخی شکل گرفته است، بر آن شدم برخی از مهم‌ترین نکته‌ها و درس‌های این اثر را با علاقه‌مندان به موضوع تاب‌آوری ملی در میان بگذارم. بر خلاف پرسش محوری آثار گذشته مبنی بر اینکه چرا و چگونه برخی دولت‌های توسعه‌طلب توانستند قدرت، قلمرو و نفوذ خود را گسترش داده و بر جوامع دیگر چیره شوند؟ نویسندگان این کتاب پرسشی متفاوت را پیش می‌کشند: چرا و چگونه برخی ملت‌ها و دولت‌ها توانسته‌اند در برابر فشار قدرت‌های توسعه‌طلب ایستادگی و استقلال، حاکمیت و هویت خود را در طول قرن‌ها حفظ کنند؟ کتاب با رویکردی مقایسه‌ای، تجربه هشت کشور — ژاپن، مغولستان، تایلند، بوتان، نپال، افغانستان، ایران و ایتوپیی — را بررسی می‌کند؛ کشورهای که با وجود تفاوت‌های چشمگیر در جغرافیا، تاریخ، فرهنگ، ساختار سیاسی و ظرفیت‌های مادی، توانسته‌اند از استقلال، حاکمیت و هویت خود در برابر فشار قدرت‌های بزرگ پاسایی کنند. یکی از نکات بنیادی کتاب آن است که تاب‌آوری ملی را نمی‌توان به یک عامل واحد فروکاست. جغرافیا، موقعیت ژئوپلیتیک، منابع طبیعی، میراث تاریخی و شناسه‌های اجتماعی —

«آگهی ثبتی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد

سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۰۱۲۰۱۲۰۰۳۱۲۰۱۴۰۵۶۰۲۳۱ مورخ ۱۴۰۵۰۲۳۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاّه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای /خانم نورمحمد بدرانق نژاد فرزندغفور به شناسنامه شماره ۸۸۶۰۱۱۹۲۳۳ کدملی ۸۸۶۰۱۱۹۲۳۳ صادره از شهرستان کلاّه در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۶۹۰ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۴۹ فرعی از ۹- اصلی واقع دربخش ۱۵ شهرستان کلاّه خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای / خانم عبدالکریم گو کلاتی محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شوددر صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: یکشنبه ۱۴۰۵/۰۵/۲۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: سه شنبه ۱۴۰۵/۰۶/۱۰

بهمن سارلی – رئیس ثبت اسناد و املاک کلاّه – م الف ۱۰۲۴۶

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۰۱۲۰۱۲۰۰۳۱۲۰۱۴۰۵۶۰۲۳۰ مورخ ۱۴۰۵۰۲۳۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاّه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای /خانم نورمحمد بدرانق نژاد فرزند غفور به شناسنامه شماره ۸۸۶۰۱۱۹۲۳۳ کدملی ۸۸۶۰۱۱۹۲۳۳ صادره از شهرستان کلاّه در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۵۵۰ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۶ فرعی از ۳۱- اصلی واقع در اراضی قریه یلی بدرانق بخش ۱۴ شهرستان کلاّه خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای / خانم محمد دردی اقا جلالی محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: یکشنبه ۱۴۰۵/۰۵/۲۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: سه شنبه ۱۴۰۵/۰۶/۱۰

بهمن سارلی – رئیس ثبت اسناد و املاک کلاّه – م الف ۱۰۲۴۴

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۰۳۱۲۰۱۲۰۰۳۱۲۰۱۴۰۵۶۰۲۳۰ مورخ ۱۴۰۵۰۵۰۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاّه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای /خانم نورمحمد بدرانق نژاد فرزند غفور به شناسنامه شماره ۸۸۶۰۱۱۹۲۳۳ کدملی ۸۸۶۰۱۱۹۲۳۳ صادره از شهرستان کلاّه در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۵۰۰۰ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۳۱۹ فرعی از ۳۱- اصلی واقع در اراضی قریه یلی بدرانق بخش ۱۴ شهرستان کلاّه خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای / خانم قربان آقا بدرانق نژاد محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: یکشنبه ۱۴۰۵/۰۵/۲۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: سه شنبه ۱۴۰۵/۰۶/۱۰

بهمن سارلی – رئیس ثبت اسناد و املاک کلاّه – م الف ۱۰۲۴۱

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۸۸۷۰۱۲۰۰۰۳۱۲۰۱۴۰۵۶۰۲۳۱ مورخ ۱۴۰۵۰۲۳۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاّه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای /خانم نورمحمد بدرانق نژاد فرزند غفور به شناسنامه شماره ۸۸۶۰۱۱۹۲۳۳ کدملی ۸۸۶۰۱۱۹۲۳۳ صادره از شهرستان کلاّه در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۳۰۰ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۳۰۶ فرعی از ۳۱- اصلی واقع در اراضی قریه یلی بدرانق بخش ۱۴ شهرستان کلاّه خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای / خانم آق محمد بدرانق نژاد محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی

اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: یکشنبه ۱۴۰۵/۰۵/۲۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: سه شنبه ۱۴۰۵/۰۶/۱۰

بهمن سارلی – رئیس ثبت اسناد و املاک کلاّه – م الف ۱۰۲۴۰

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۲۸۵۶۰۱۲۰۰۳۱۲۰۱۴۰۵۶۰۲۳۱ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاّه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای /خانم حامد ایللی فرزند مرادقلی به شناسنامه شماره ۸۸۹۷۲۰۸۸۶۰۱۱۹۷۲ صادره از شهرستان کلاّه در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۱۲۴ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک های ۲۴۲ فرعی از ۲۰۱- اصلی و ۲۴۳ فرعی از ۲۰۱- اصلی واقع در بخش ۹ شهرستان کلاّه انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی (مرادقلی ایللی) محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: یکشنبه ۱۴۰۵/۰۵/۲۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: سه شنبه ۱۴۰۵/۰۶/۱۰

بهمن سارلی – رئیس ثبت اسناد و املاک کلاّه – م الف ۱۰۲۳۸

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود ششدانگ عرصه و اعیان زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۹۱۷ مترمربع به پلاک ۱۶۲۲۰ فرعی از ۳ اصلی واقع در اراضی اوزینه ملکی غلامعلی سرملی فر فرزند میرعلی ساعت ۹ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۴ در محل وقوع ملک واقع در شهرستان گرگان، اراضی اوزینه بازدید بعمل خواهد آمد و اگر روز تحدید حدود تعطیل باشد روز بعد از تعطیلی انجام میگردد از این رو چنانچه مجاوری نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است میتواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید.بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

تاریخ انتشار سه شنبه ۱۴۰۵/۰۷/۱۰

سیدعبسی میرکاظمی –رئیس اداره ثبت اسنادو املاک منطقه دو گرگان از طرف مهناز جهانفر –شناسه آگهی ۲۶۶۲۸۷۵

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه عبدالناصر صانعی فرزند قارچه با ارائه دو برگ استشهادیه گواهی شده توسط دفتر ۳۰ آق قلا به شماره درخواست ۱۴۰۵۶۳۶۵۹۱۴۰۰۰۱۰۷ مورخه ۱۴۰۵۰۵۰۲۴ دفتر ۳۰ آق قلا ادعا نموده که سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۲۸۵۴ متر مربع دارای پلاک ثبتی شماره ۳۷۹۵ فرعی از یک اصلی بخش ۰۷ ثبت آق قلا با شماره چاپی ۳۰۷۳۱۱ سری ۵ سال ۱۴۰۲ و دفتر الکترونیک ۱۹۰۳۰۳۰۱۲۰۰۸۰۳۲۰۳۲۰۱۴ و از نوع تک برگی بنام عبدالناصر صانعی فرزند قارچه به شماره ملی ۴۹۷۹۷۹۷۹۰۴ متولد ۱۳۴۸ مسبوق به سابقه ثبت و صدور سند مالکیت می باشد. که به علت جابجایی مفقود گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی را از این اداره نموده است.از این رو بااستناد ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می گردد تا هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله دیگری انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تاده روز پس از انتشار آگهی، به ثبت محل مراجعه و اعتراض کتبی خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نمایند در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد.

احمد نویان – سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا م الف: ۶۴۹

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه اده قه فرزند اراز محمد با ارائه دو برگ استشهادیه گواهی شده توسط دفتر ۱۵۴ آق قلا به شماره درخواست ۱۴۰۵۶۳۶۵۹۱۴۰۰۰۰۰۸۳ مورخه ۱۴۰۵۰۵۰۱۹ دفتر ۱۵۴ آق قلا ادعا نموده که سند مالکیت سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت چهار هکتار متر مربع دارای پلاک ثبتی شماره ۱۷۰ فرعی از ۱۳ اصلی بخش ۱۳ ثبت آق قلا با شماره چاپی ۶۸۹۶۷۹ ذیل ثبت ۴۲۸۵ صفحه ۱۶۳ جلد۲ و از نوع دفترچه ای بنام دهیاری روستای عطاءآباد (آق قلا) با شناسه ملی ۱۴۰۰۳۵۰۲۶۵۰ مسبوق به سابقه ثبت و صدور سند مالکیت بوده و برابر سند رهنی ۸۷۹ مورخ ۱۳۸۶۰۱۰۱۶ دفتر ۳۰ آق قلا در قبال ۱۸۰ میلیون ریال در رهن بانک کشاورزی شعبه آق قلا می

گلشنجهن

اطلاع رسانی»
سه شنبه ۱۰ شهریور ماه ۱۴۰۵/ سال بیست و هشتم /شماره ۳۲۴۱

باشد که بعلت جابجایی مفقود گردیده، نامبرده تقاضای صدور سند مالکیت المثنی را از این اداره نموده است.از این رو بااستناد ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می گردد تا هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله دیگری انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تاده روز پس از انتشار آگهی، به ثبت محل مراجعه و اعتراض کتبی خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نمایند در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد.

احمد نویان – سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا از طرف علی برقی م الف: ۶۵۱

آگهی قانونی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی موضوع ماده۳ قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۲۲۰۶۰۲۲۰۱۲۰۰۳۱۲۰۱۴۰۵۶۰۲۳۱ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندرگز تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی سیده حدیثه پارسا فرزند سید صالح به شماره ملی ۲۲۴۰۰۲۳۹۹۶ شماره شناسنامه ۲۲۴۰۰۲۳۹۹۶ صادره کردکوی در ۱۱۰،۵۹ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم در ششدانگ یک قطعه زمین باغی که باقیمانده ۹،۴۱ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم عرصه آن وقف است به مساحت ۲۵۰۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۶- اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک بندرگز اراضی دشتیکلاته خریداری از مالک رسمی محسن کردجزی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۷/۱۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۷/۲۵

مهدی شاه مهری– رئیس اداره اسناد و املاک بندرگز– م.الف: ۱۰۰۵

آگهی قانونی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی موضوع ماده۳ قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۲۸۸۸۰۰۹۰۰۳۱۲۰۱۴۰۵۶۰۲۳۱ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندرگز تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی حبیب اله جعفری فرزند رضان به شماره ملی ۲۱۸۰۵۴۶۵۷۲ شماره شناسنامه ۶۰۹ صادره بهشهر در ۱۱۰،۵۹ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم در ششدانگ یک قطعه زمین زراعی که باقیمانده ۹،۴۱ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم عرصه آن وقف است به مساحت ۷۱۵۷،۶۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۶- اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک بندرگز اراضی دشتیکلاته خریداری از مالک رسمی عیسی ترک جزی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۷/۱۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۷/۲۵

مهدی شاه مهری– رئیس اداره اسناد و املاک بندرگز– م.الف: ۱۰۰۶

آگهی قانونی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی موضوع ماده۳ قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۲۴۰۶۰۲۴۰۱۲۰۰۳۱۲۰۱۴۰۵۶۰۲۳۱ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندرگز تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی حبیب اله جعفری فرزند رضان به شماره ملی ۲۱۸۰۵۴۶۵۷۲ شماره شناسنامه ۶۰۹ صادره بهشهر در ششدانگ یک قطعه عرصه زمین محصور به مساحت ۲۲۸۰/۵۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۸- اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک بندرگز اراضی گز خریداری از مالک رسمی محمدرضا شمالی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۷/۱۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۷/۲۵

مهدی شاه مهری– رئیس اداره اسناد و املاک بندرگز– م.الف: ۱۰۰۷

آگهی مزایده

آموزش و پرورش منطقه آق قلا در راستای اجرای قانون مناقصات، آیین نامه معاملات دولتی و به استناد صور تجلسه شورای نظارت بر تعلیم و تربیت کودکان استان گلستان در نظر دارد در نوبت صبح وعصر، فضاهای مازاد مدارس شهرستان را طبق توضیحات کارشناسی رسمی دادگستری از طریق آگهی مزایده عمومی، که به صورت اعلان عمومی شده، به صورت اجاره واگذار نماید. متقاضیان می توانند در صورت تمایل جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد و تحویل مدارک جهت شرکت در مزایده به سامانه ستاد (www.setadiran.ir) و یا اداره آموزش و پروش شهرستان آق قلا مراجعه نمایند.

" زمان دریافت اسناد، ثبت قیمت پیشنهادی، بازگشایی و اعلام برنده مزایده "

شرکت کنندگان جهت دریافت اسناد مزایده از ساعت ۰۹:۰۰ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۰ تا ساعت ۰۹:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۴ فرصت دارند به سامانه ستاد مراجعه نمایند.

متقاضیان محترم از ساعت ۰۱:۰۰ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۰ تا ساعت ۰۹:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۵ فرصت دارند که قیمت پیشنهادی و مدارک مورد نیاز را در سامانه ستاد بار گذاری نمایند.

زمان اعلام برنده: روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۸ ساعت ۱۰

شناسه آگهی ۲۲۶۶۳۶۷

پلاک‌گذاری گله نقشه راه توسعه علمی دامپروری



پلاک‌گذاری با فراهم کردن امکان مدیریت دقیق‌تر گله، انتخاب دام‌های برتر، کاهش تلفات و جلوگیری از خسارت‌های ناشی از سرقت یا قاچاق، مسیری روشن برای افزایش بهره‌وری و درآمد دامداران است که به اعتقاد کارشناسان و دست اندرکاران حوزه دام‌گلستان، این اقدام با هویت‌گذاری دام، منجر به سرمایه‌گذاری بلندمدت برای پایداری دامداری، تقویت اقتصاد روستایی و افزایش تولید در استان خواهد شد. به گزارش ایرنا، پلاک‌گذاری دام (هویت‌دار ساختن دام) یکی از مهم‌ترین اقدامات زیربنایی برای مدیریت علمی و اصولی گله‌ها به شمار می‌رود که طی چندین سال اخیر در استان گلستان به‌ویژه در دامداری‌های روستایی و سنتی، اهمیت بیشتری پیدا کرده که در این طرح، هر دام با یک شماره شناسایی یکتا ثبت می‌شود و اطلاعات مربوط به مالک، محل نگهداری، نژاد، سن، سوابق تولیدی و والدین آن در سامانه مربوط ثبت و قابل پیگیری است. از سوی دیگر به اعتقاد کارشناسان دام، وجود شماره شناسایی یکتا، راهکاری موثر برای اثبات مالکیت دام و پیشگیری از سرقت و قاچاق به شمار می‌رود که در صورت گم‌شدن یا جابه‌جایی غیرقانونی دام، اطلاعات پلاک گوش می‌تواند در شناسایی سریع دام، مالک و محل ثبت آن کمک کند و این موضوع علاوه بر حمایت از حقوق دامداران، امکان نظارت بهتر بر جابه‌جایی دام و مقابله با قاچاق دام از مسیرهای غیرقانونی را افزایش می‌دهد. همچنین پلاک‌گذاری نقش مهمی در آسان‌سازی برنامه اصلاح نژاد دام دارد، زمانی که مشخصات نسل و شجره دام ثبت شده باشد، دامدار می‌تواند از جفت‌گیری نامناسب و هم‌خونی پیشگیری کند و برای تولید بره‌ها و گوساله‌های سالم‌تر و پربازده‌تر برنامه‌ریزی داشته باشد. اهمیت تداوم طرح مزبور برای بهره‌برداران دامپروری در استان گلستان از آن جهت است که پرداختن به حرفه دامداری برای بسیاری از خانوارهای روستایی، منبع اصلی درآمد و معیشت محسوب می‌شود. با توجه به این که دامپروری یکی از بخش‌های مکمل کشاورزی در گلستان به شمار می‌رود، طبق داده‌های آماری، در این استان شمالی با احتساب زمستان‌گذرانی جمعیت دام‌عشایر کوچنده در مراتع شمال استان، حدود ۲.۵ میلیون راس دام سبک و سنگین برای پرورش برآورد می‌شود و تولیدات سالانه محصولات دامی پرورش دهندگان این خطه از جمله بیش از ۳۲ هزار تن گوشت قرمز

و حدود ۴۱۰ هزار تن شیر می‌رسد. یکی از محققان حوزه دام مرکز تحقیقات، آموزش کشاورزی و منابع طبیعی گلستان با اشاره به ضرورت هویت‌گذاری دام، گفت: پلاک‌کوبی برای دام‌ها مانند کد ملی انسان‌هاست و علاوه بر اثبات مالکیت و جلوگیری از سرقت یا قاچاق، زمینه اصلاح نژاد، کنترل هم‌خونی و افزایش بهره‌وری گله را فراهم می‌کند. غلامعلی هلاکو اظهار کرد: هویت‌گذاری دام سابقه‌ای طولانی دارد و انسان از گذشته برای شناسایی و اثبات مالکیت دام‌های خود از روش‌هایی از جمله رنگ‌آمیزی، داغ‌گذاری، گردنبند و تراشیدن مو استفاده می‌کرده است. وی ادامه داد: هویت‌گذاری نوین دام نیز با دو هدف اصلی نخست ثبت اطلاعات و کمک به اصلاح نژاد و دوم اثبات مالکیت و جلوگیری از سرقت و قاچاق دام صورت می‌گیرد که پلاک گوش دارای شماره یکتا بوده و می‌توان از طریق آن مشخص کرد هر دام متعلق به کدام دامدار و کدام منطقه است. هلاکو با اشاره به نقش هویت‌گذاری در اصلاح نژاد، تصریح کرد: برای اجرای برنامه‌های اصلاح نژادی باید مشخصات پدر و مادر دام، شجره و سوابق تولیدی آن ثبت باشد. در غیر این صورت امکان کنترل هم‌خونی، مدیریت جفت‌گیری و انتخاب دام‌های برتر وجود ندارد. وی درباره وضعیت دامداری‌های صنعتی،

گفت: دامداران صنعتی معمولاً آگاهی بیشتری نسبت به اهمیت هویت‌گذاری دارند و در کنار پلاک‌گذاری، از روش‌هایی مانند داغ سرد نیز برای شناسایی گاو‌ها استفاده می‌کنند. با این حال، برای گوساله‌ها که هنوز امکان داغ‌گذاری روی بدن آن‌ها وجود ندارد، پلاک گوش ابزار موثری برای شناسایی و مدیریت اطلاعات گله است. هلاکو اهمیت پلاک‌گذاری در دامداری‌های سنتی را بیشتر دانست و گفت: با افزایش تعداد دام‌ها، شناسایی آن‌ها دشوار می‌شود و در چنین شرایطی، پلاک گوش به دامدار کمک می‌کند دام‌ها را بر اساس نسل، تیره و سوابق خانوادگی از یکدیگر تفکیک و مدیریت کند. وی با بیان این که هزینه هویت‌گذاری در برابر منافع آن ناچیز است، اظهار کرد: برخی دامداران در ابتدا تنها به هزینه اجرای طرح توجه می‌کنند، ولی باید بدانند دامداری فعالیتی بلندمدت است و در بسیاری از موارد نسل‌به‌نسل ادامه پیدا می‌کند. بنابراین دامدار باید بداند چه دام‌هایی در اختیار دارد، کدام دام‌ها عملکرد بهتری دارند و کدام‌یک باید از چرخه تولید حذف شوند. این محقق دامپروری در گلستان یادآور شد: صفاتی مانند دوقلوایی، افزایش وزن و ضریب رشد به طور مستقیم با درآمد دامدار ارتباط دارد. دامداری که دام‌های خود را شناسایی نکند، نمی‌تواند صفات اقتصادی مطلوب

جهش تسهیلات اشتغال صندوق کارآفرینی امید در گلستان



ریال به صورت متمرکز و با حضور مسوولان استان به بهره‌برداری رسید. مدیر صندوق کارآفرینی امید گلستان افزود: این طرح‌ها در راستای حمایت از کسب‌وکارهای مولد و اشتغال‌زا اجرا شده و تلاش ما این است منابع صندوق به سمت فعالیت‌هایی هدایت شود که علاوه بر پایداری اقتصادی، ظرفیت ایجاد اشتغال و افزایش درآمد خانوارها را داشته باشند. ساغری با اشاره به رویکرد جدید این صندوق در توسعه همکاری‌های بین‌دستگاهی تصریح کرد: در دوره جدید تلاش کردیم با دستگاه‌های اجرایی، اتحادیه‌ها، اصناف و مجموعه‌هایی که ظرفیت ایجاد اشتغال و تقویت کسب‌وکارها را دارند، تفاهم‌نامه‌های همکاری منعقد کنیم تا از طریق هم‌افزایی، امکان پرداخت تسهیلات بیشتر و هدفمندتر فراهم شود. وی ادامه داد: در همین راستا تفاهم‌نامه‌ای به ارزش ۷۵۰ میلیارد ریال با سازمان نظام مهندسی ساختمان استان گلستان منعقد شده که در چارچوب آن از طرح‌های واجد شرایط حمایت خواهد شد. مدیر صندوق کارآفرینی امید گلستان همچنین از انعقاد تفاهم‌نامه سه هزار و ۲۵۰ میلیارد ریالی در حوزه پتل‌های خورشیدی خبر داد و گفت: این تفاهم‌نامه با یکی از مجریان طرح‌های خورشیدی در استان منعقد

مدیر صندوق کارآفرینی امید استان گلستان از رشد ۲۷۰ درصدی پرداخت تسهیلات این صندوق خبر داد و گفت: در پنج ماه نخست سال جاری هزار و ۵۵۰ میلیارد ریال تسهیلات به ۲۱۳ فقره طرح اشتغال‌زا در استان پرداخت شده که زمینه ایجاد اشتغال برای ۳۳۳ نفر را فراهم کرده است. به گزارش ایرنا، زهرا ساغری با اشاره به شرایط اقتصادی و محدودیت‌های اعتباری در شرایط جنگی اظهار کرد: با وجود مشکلات اقتصادی و شرایط ناشی از جنگ، عملکرد صندوق کارآفرینی امید استان گلستان در حوزه پرداخت تسهیلات با رشد ۲۷۰ درصدی همراه بوده است. وی ادامه داد: در پنج ماه نخست امسال هزار و ۵۵۰ میلیارد ریال تسهیلات اشتغال در قالب ۲۱۳ فقره پرونده به کسب‌وکارهای پایدار، عمدتاً کسب‌وکارهای خرد و خانگی در حوزه‌های مختلف از جمله کشاورزی، گردشگری، صنعت و سایر فعالیت‌های اشتغال‌زا پرداخت شده که توانست برای ۳۳۳ نفر اشتغال ایجاد کند. مدیر صندوق کارآفرینی امید گلستان با اشاره به بهبود شاخص‌های اعتباری صندوق در گلستان بیان کرد: در این مدت مطالبات غیرجاری صندوق در استان ۱۵ درصد کاهش یافته و شاخص سلامت اعتباری نیز ۱۷ درصد کاهش داشته که نشان‌دهنده بهبود وضعیت اعتباری و نظارت دقیق‌تر بر پرداخت و بازپرداخت تسهیلات است. ساغری همچنین از افزایش ۲۱۰ درصدی تجهیز منابع صندوق استان در سال جاری نسبت به پایان سال ۱۴۰۴ خبر داد و افزود: افزایش منابع، ظرفیت صندوق برای پرداخت تسهیلات و حمایت از طرح‌های اشتغال‌زا را تقویت می‌کند و هدف اصلی ما این است که بخش بیشتری از مردم استان از اعتبارات و خدمات صندوق بهره‌مند شوند.

بهره‌برداری از ۱۷ طرح با ۹۵۰ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری در هفته دولت

وی با اشاره به برنامه‌های هفته دولت در استان گفت: هم‌زمان با هفته دولت، ۱۷ طرح مورد حمایت صندوق کارآفرینی امید با مجموع تسهیلات و اعتبارات ۹۵۰ میلیارد

شده و اجرای آن در دست اقدام است. ساغری تأکید کرد: صندوق کارآفرینی امید آمادگی دارد با سایر دستگاه‌های اجرایی، اتحادیه‌ها، اصناف و مجموعه‌های تخصصی استان نیز وارد همکاری شود تا با افزایش هم‌افزایی و جذب منابع، امکان حمایت از تعداد بیشتری از طرح‌های اشتغال‌زا فراهم شود. وی با اشاره به بازدهی‌های انجام‌شده از ظرفیت‌های اقتصادی استان، بازارچه‌های مرزی را یکی از زمینه‌های مهم برای توسعه کسب‌وکار و افزایش درآمد مردم مناطق مرزی دانست و گفت: بازدهی‌های از بازارچه‌های مرزی استان از جمله اینچهره‌ون انجام شده و تلاش داریم طرح‌های واجد شرایط را برای حمایت شناسایی کنیم تا در نهایت منجر به تقویت فعالیت‌های اقتصادی در مناطق مرزی، افزایش درآمد مردم و استفاده بهتر از ظرفیت‌های موجود برای توسعه اقتصادی استان شود. مدیر صندوق کارآفرینی امید گلستان با اشاره به روند بهبود جایگاه صندوق کارآفرینی امید گلستان در ارزیابی‌های کشوری خاطر نشان کرد: رتبه استان در سه ماه نخست سال ۲۵ به ۱۶ ارتقا یافته که نشان‌دهنده رشد قابل توجه عملکرد صندوق در این بازه زمانی است. ساغری با بیان اینکه نظارت بر نحوه هزینه‌کرد تسهیلات از اولویت‌های صندوق است، گفت: نظارت بر طرح‌ها در مرحله بررسی و پیش از پرداخت تسهیلات آغاز می‌شود و پس از پرداخت نیز ادامه دارد تا اطمینان حاصل شود منابع اختصاص یافته دقیقاً در همان مسیر و برای اجرای کسب‌وکار موردنظر هزینه شده است. وی با اشاره به سامانه نظارت صندوق بیان کرد: صندوق کارآفرینی امید از سامانه نظارت برخوردار است و روند اجرای طرح‌ها به صورت دورهای در استان و شهرستان‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین پرداخت منابع متناسب با پیشرفت طرح انجام می‌شود تا تسهیلات در مسیر پیش‌بینی شده به مصرف برسد. مدیر صندوق کارآفرینی امید گلستان یکی دیگر از برنامه‌های صندوق را توسعه خدمات نوین و تسهیل دسترسی مشتریان به خدمات مالی عنوان کرد و یادآور شد: صندوق کارآفرینی امید از نخستین مجموعه‌های بانکی کشور بود که خدمات مبتنی بر QR Code را به مردم ارائه کرد و صندوق استان گلستان نیز در اجرای این طرح جایگاه نخست کشوری را به خود اختصاص داده است.

آیا محتوای پلتفرم‌های نمایش خانگی برای کودکان امن است

پشت آن‌ها تیم‌های تخصصی حضور دارند، اما این به‌تنهایی کافی نیست. او می‌گوید: والدین باید مطالعه و آگاهی خود را در حوزه تربیت فرزند افزایش دهند و مهم‌تر از همه، نظام ارزشی روشنی در خانواده داشته باشند. به گفته او، خانواده باید از خود بپرسد: آیا این فیلم یا سریال در راستای ارزش‌ها و اهداف تربیتی ما هست یا نه؟

وقتی کودک صحنه ترسناک می‌بیند، والدین چه کنند؟

این استاد دانشگاه معتقد است بهترین راه، پیشگیری است. او می‌گوید والدین بهتر است پیش از تماشای فیلم، درباره محتوای آن آگاهی داشته باشند و در صورت نیاز برخی صحنه‌ها را حذف یا کنترل کنند. فتحی همچنین تأکید می‌کند: خانواده‌ها باید تعریف مشخصی از محتوای نامناسب داشته باشند و آن را برای کودک توضیح دهند. او درباره مواجهه با صحنه‌های ترسناک می‌گوید: اگر کودک واقعا ترسیده باشد، والدین نباید او را تنها بگذارند. باید کنارش باشند، با او صحبت کنند، به او اطمینان بدهند که آنچه دیده واقعی نیست و کمک کنند احساس امنیتش بر گردد.

قانون طلایی: کودکان کمتر فیلم ببینند

مهم‌ترین توصیه فتحی به خانواده‌ها، کاهش زمان تماشای فیلم و سریال توسط کودکان است؛ توصیه‌ای که برخلاف سبک زندگی امروز، بر فاصله گرفتن کودک از نمایشگرها تأکید دارد. او می‌گوید: هرچقدر کودک در سنین پایین فیلم و سریال ببیند، بهتر است؛ چون این محتواها بدون اینکه فعالیتی از کودک بخواهند، روی ذهن او رسوب می‌کنند. فتحی معتقد است خانواده‌ها باید کودکان را بیشتر به سمت قصه‌خوانی، بازی، فعالیت‌های واقعی و تعاملات انسانی سوق دهند و برای استفاده از تلویزیون، موبایل و پلتفرم‌ها زمان مشخص تعیین کنند. او یادآور می‌شود: کودکان زیر دو سال اساساً نباید در معرض تلویزیون، گوشی و نمایشگرها قرار بگیرند. این روانشناس کودک و نوجوان در پایان تأکید می‌کند: گفت‌وگو با کودک درباره محتوایی که می‌بیند، یکی از مهم‌ترین وظایف والدین است؛ اینکه نظارش را بپرسند، احساسش را بشنوند و کمک کنند میان دنیای واقعی و جهان خیالی فیلم‌ها مرز مشخصی شکل بگیرد.



از گفت‌وگو با اشاره به گسترش پلتفرم‌های داخلی و نمایش خانگی، از اعتماد کامل برخی خانواده‌ها به برجسب‌های سنی یا مجوزهای رسمی انتقاد می‌کند. او می‌گوید: در فضای رسانه‌ای و دیجیتالی امروز، والدین نباید حتی به صرف داشتن مجوز، مطمئن باشند که یک محتوا کاملاً مناسب فرزندشان است. ممکن است اثری از نظر نهاد صادرکننده مجوز مشکلی نداشته باشد اما با ارزش‌های خانوادگی آن خانواده در تضاد باشد. فتحی معتقد است محدودسازی مطلق نیز راه‌حل مؤثری نیست؛ چرا که اگر خانواده نتواند نظام ارزشی روشنی در خانه ایجاد کند، کودک دیر یا زود از مسیرهای دیگر به همان محتواها دسترسی پیدا می‌کند. او تأکید می‌کند: باید از تولید محتوای سالم و مناسب برای خانواده‌ها حمایت شود تا خانواده‌ها ناچار نباشند برای سرگرمی کودک به سراغ هر محتوایی بروند، اما در نهایت این والدین هستند که باید نظارت دقیق و آگاهانه داشته باشند.

از کجا بفهمیم یک فیلم واقعاً مناسب کودک است؟

فتحی درباره معیار تشخیص محتوای مناسب کودک نیز چند راهکار ارائه می‌دهد. او توضیح می‌دهد: بخشی از تولیدات کودک در رسانه‌هایی مانند شبکه پویا و نهال، متناسب با گروه‌های سنی طراحی می‌شوند و

موفقیت را مسیری خیالی و بدون رنج واقعی توصیف می‌کنند. به گفته این استاد دانشگاه، همین مسئله باعث می‌شود کودکان به تدریج تصور غیرواقعی از موفقیت، توانایی و زندگی پیدا کنند؛ تصویری که در دنیای واقعی قابل دستیابی نیست.

وقتی یک فیلم، کودک را دچار کابوس و شب‌آدراری می‌کند

فتحی درباره تأثیر مستقیم فیلم‌ها بر اضطراب کودکان نیز هشدار می‌دهد و می‌گوید: بسیاری از خانواده‌ها تصور می‌کنند کودکان صحنه‌های ترسناک را سریع فراموش می‌کنند، در حالی که تجربه‌های بالینی خلاف این موضوع را نشان می‌دهد.

او می‌گوید: ما مراجعان زیادی داشتیم که بعد از تماشای فیلم‌هایی مثل آنابل دچار اضطراب شدید، کابوس شبانه و حتی شب‌آدراری شدند. بعضی از این فیلم‌ها واقعاً می‌توانند ترس عمیقی در ذهن کودک ایجاد کنند. البته فتحی تأکید می‌کند: فیلم‌ها تنها عامل اضطراب نیستند، اما می‌توانند زمینه بروز یا تشدید آن را فراهم کنند؛ به‌ویژه در کودکانی که از قبل حساس‌تر یا مضطرب‌تر هستند.

اعتماد مطلق به پلتفرم‌ها، اشتباه والدین است

این روانشناس کودک و نوجوان در بخش دیگری

کابوس‌های شبانه، اضطراب، الگوپردازی از ابرقهرمان‌های خیالی و فاصله گرفتن از واقعیت؛ این‌ها فقط بخشی از اثرات پنهان فیلم‌ها و سریال‌هایی است که کودکان هر روز در پلتفرم‌های نمایش خانگی تماشا می‌کنند. یک روانشناس کودک هشدار می‌دهد که والدین نباید صرفاً به برجسب‌های سنی و مجوزها اعتماد کنند. به گزارش ایران‌زندگی، کودکی که امشب با یک کارتون یا سریال پای تلویزیون می‌خندد، شاید همان کودکی باشد که نیمه‌شب با کابوس از خواب می‌پرد؛ نسلی که بیش از هر زمان دیگری در محاصره تصویر، پلتفرم و روایت‌های رنگارنگ قرار گرفته و مرز میان «سرگرمی کودکان» و «محتوای آسیب‌زا» برایش روزبه‌روز مبهم‌تر می‌شود. از ابرقهرمان‌هایی که موفقیت را بدون رنج و تلاش واقعی نشان می‌دهند تا صحنه‌های ترسناکی که اضطراب و ناامنی را به ذهن کودک تزریق می‌کنند، حالا دغدغه بسیاری از خانواده‌ها این است که کودکانشان دقیقاً چه چیزی تماشا می‌کنند و این تصاویر چه اثری بر ذهن و رفتار آن‌ها می‌گذارد. در همین رابطه با داوود فتحی گفت‌وگو کرده‌ایم؛ روانشناس کودک و نوجوانی که معتقد است در عصر پلتفرم‌ها و نمایش خانگی، نظارت والدین دیگر یک انتخاب نیست، بلکه ضرورتی جدی است.

ابرقهرمان‌هایی که مسیر موفقیت را خیالی نشان می‌دهند

داوود فتحی، روانشناس کودک و نوجوان و استاد دانشگاه در پاسخ به این پرسش که کدام نوع محتواها بیش از همه بر ذهن و رفتار کودکان اثر می‌گذارند، می‌گوید: فیلم‌ها و سریال‌های امروز نسبت به آثار دهه‌های گذشته تغییر جدی کرده‌اند. اگر نگاهی به آثار پرمخاطب دنیا ببندیم، می‌بینیم بیشترین محبوبیت متعلق به فیلم‌های ابرقهرمانی، آثار دارای جلوه‌های ویژه سنگین و قصه‌های عجیب و غریب است؛ آثاری که بیش از آنکه بر همدلی، فداکاری و مشارکت تأکید کنند، تلاش می‌کنند مخاطب را از رنج‌ها و واقعیت‌های زندگی دور کنند. او تأکید می‌کند: سریال‌ها و قصه‌های دهه ۶۰ بیشتر بر ایثار، همکاری و روابط انسانی استوار بودند اما امروز یک ابرقهرمان با ویژگی‌های خارق‌العاده وارد داستان می‌شود؛ فردی که یا به‌صورت ژنتیکی قدرت خاصی دارد یا به شکلی غیرواقعی و عجیب به موفقیت می‌رسد. این الگوها روی ذهن کودک اثر جدی می‌گذارند، چون مسیر

۶۲ درصد خانه‌های روستایی مقاوم است



واجدین شرایط با دهک درآمدی یک تا چهار در مناطق شهری و روستایی این استان خبر داد و گفت: سرپرست خانوارهایی که فاقد خانه بوده و تاکنون از تسهیلات بخش مسکن دولتی نیز استفاده نکرده‌اند، مشمول این تسهیلات دولتی هستند. احمدی افزود: واجدین شرایط دریافت وام ۵۰۰ میلیون تومانی ساخت خانه چه در مناطق روستایی و چه در مناطق شهری و شهرهای بزرگ گلستان در صورت داشتن زمین برای احداث مسکن می‌توانند به ادارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی مراجعه و تقاضای خود را ارائه دهند. وی، کارمزد تسهیلات ۵۰۰ میلیون تومانی ساخت خانه را پنج درصد و بازپرداخت اقساط آن را نیز ۲۰ ساله اعلام کرد و گفت: این وام فرصتی خوبی برای فاقدین مسکن بویژه در شهرهای بزرگ و بالای ۲۵ هزار نفر جمعیت گلستان است. احمدی اضافه کرد: به مددجویان نهادهای حمایتی کمیته امداد و بهزیستی برای ساخت خانه علاوه بر وام ۵۰۰ میلیون تومانی مصوب، از ۲۰۰ تا ۴۰۰ میلیون تومان هم کمک بلاعوض تعلق می‌گیرد.

معاون مسکن روستایی مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی گلستان از وجود بیش از ۲۳۰ هزار واحد مسکونی در مناطق روستایی این استان خبر داد و بیان کرد: در حال حاضر ۶۲ درصد این خانه‌ها با دریافت وام مسکن یا به‌صورت شخصی ساز، نوسازی و مقاوم شدند. به گزارش روابط عمومی، مرتضی احمدی افزود: هم اکنون بنیاد مسکن انقلاب اسلامی سالانه پنج هزار واحد مسکونی در مناطق روستایی و شهرهای کمتر از ۲۵ هزار نفر را با پرداخت تسهیلات ارزان قیمت نوسازی می‌کند. وی اضافه کرد: چشم انداز بنیاد مسکن گلستان مقاوم سازی همه خانه‌های روستایی طی یک برنامه ۱۰ ساله است که در صورت همراهی روستاییان این چشم انداز محقق خواهد شد. احمدی از اهالی مناطق روستایی گلستان که دارای خانه قدیمی و یا نایم‌ن دارند خواست از فرصت تسهیلات ارزان قیمت دولت برای نوسازی مسکن خود استفاده کنند. معاون مسکن روستایی مدیرکل بنیاد مسکن گلستان همچنین از پرداخت وام قرض الحسنه پنج میلیارد ریالی برای ساخت خانه به